

معرفی گلابدان و گلاب‌پاش‌های قدیمی حرم مطهر که در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود

۸ ظرف عطرآگین در حرم امام هشتم (ع)



تصویری از حرم مطهر در دوره پهلوی (عکس از سمت مدرسه میرزا جعفر گرفته شده است)

زهرآزنگنه **ا**پیش از آنکه گلاب در شیشه‌های امروزی جای بگیرد، ظرف‌هایی برای آن ساخته می‌شده که خودشان بخشی از هنر ایرانی بودند. تعدادی از این ظرف‌ها اکنون در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شوند. از گلابدان فولادی دوره تیموری و صفوی بگیرید تا نمونه‌های مفرغی و میناکاری‌شده اصفهان. بعضی از این ظرف‌ها سال‌ها در خدمت آیین‌های حرم مطهر امام رضا^(ع) بوده‌اند؛ گلابدان‌هایی با نقش و طرح خاص که امروزه دیگر بخشی از تاریخ و سنت چندصدساله «تعطیل حرم» به شمار می‌آیند.

بارگاه نیز مانند بسیاری از آیین‌های دیگر، سابقه‌ای طولانی دارد؛ سنتی که در اسناد آستان قدس با عنوان «تعطیل حرم مطهر» شناخته شده است. براساس اسناد تاریخی موجود در آرشيو آستان قدس رضوی، برای این کار از مواد خوش‌بویی چون عطر، گلاب، مشک، عنبر، عود، اسبند و کندر استفاده می‌شده است.

قدیمی‌ترین سندی که در منابع آستان قدس برای این سنت معرفی شده، به سال ۱۰۱۲ قمری بازمی‌گردد؛ سندی که در آن پرداخت حقوق علی‌اصغر نصیری، عودسوز حرم، ثبت شده است.

همین یک سند، نکته مهمی را درباره ساختار خدمت در حرم نشان می‌دهد: عطرافشانی صرفا

در سده‌های بعد، شهرهای مختلفی در تولید گلاب شهرت یافتند و قمصر کاشان به یکی از شناخته‌شده‌ترین مراکز آن تبدیل شد. سفرنامه‌نویسان اروپایی دوره صفوی نیز از تولید و تجارت عرقیات و گلاب در ناحیه کاشان نوشته‌اند. در نتیجه، آنچه امروز از گلاب به‌عنوان بخشی آشنا از فرهنگ ایرانی‌می‌شناسیم، حاصل پیوند چند عنصر است؛ گل محمدی، فن تقطیر، تجارت عطر و سرانجام آیین‌هایی که به گلاب معنایی فراتر از یک رایحه بخشیده‌اند.

● از گلاب و عود تا «تعطیل حرم» در حرم مطهر امام رضا^(ع)، خوش‌بو کردن فضای

● گلاب، عطری آشنا برای ایرانیان

برای ایرانیان، گل محمدی فقط یک گل خوش‌بو نیست؛ رایحه آن قرن‌هاست که در کنار بخشی از آیین‌ها و عادات‌های زندگی ایرانی قرار گرفته و گلاب، عصاره‌ای که از آیین‌گل به دست می‌آید، از همین مسیر جایگاهی فراتر از یک ماده خوش‌بوکننده پیدا کرده است. گلاب در سفره‌های ایرانی، شربت‌ها و شیرینی‌ها، برخی کاربردهای دارویی و همچنین مناسبت‌های مذهبی حضور داشته و در بعضی آیین‌ها برای خوش‌بو کردن دست و صورت یا فضای مراسم به کار رفته است.

سابقه گلاب در ایران اما فقط به مصرف آن مربوط نیست؛ تولید و تجارت آن نیز پیشینه‌ای درخور توجه دارد. ابو منصور ثعالبی، نویسنده سده چهارم و پنجم قمری، در توصیف گلاب شهر جور(نام قدیم فیروزآباد فارس) از شهرت رایحه آن نوشته و اشاره کرده است که گلاب این منطقه به سرزمین‌های دور در شرق و غرب صادر می‌شده است. این گزارش، یکی از شواهد تاریخی مهم درباره جایگاه گلاب در اقتصاد و فرهنگ ایران در دوره اسلامی است.

گلابدان فولادی، یادگاری از دوره تیموری

یکی از قدیمی‌ترین آثار این مجموعه، گلابدانی فولادی متعلق به قرن نهم قمری است. ظرف، بدنه‌ای گنبدی شکل و یکپارچه دارد و از آثار دوره تیموری به شمار می‌رود. برای حفظ رایحه مایع درون ظرف و در عین حال زیبایی بیشتر، در آن روی دسته‌ای نیم‌دایره‌ای قرار گرفته است. سرلوله گلابدان نیز شکل متفاوتی دارد و به سر حیوانی یادهان گشوده شباهت پیدا می‌کند. دو طرف دسته و انتهای لوله با نوارهای برجسته تزیین شده‌اند. سادگی کلی بدنه در کنار جزئیات قسمت لوله و دسته، از ویژگی‌های قابل توجه این ظرف قدیمی است.

گلابدان مفرغی اصفهان

گلابدان مفرغی دسته‌دار ساخت اصفهان، با بدنه‌ای کروی و گردنی استوانه‌ای و بلند، نمونه دیگری از این مجموعه است. دسته لوله در امتداد گردن ظرف قرار گرفته‌اند و لوله با دو حلقه برجسته به سه بخش تقسیم شده است.

روی لوله و بدنه از ترنج، نیم‌ترنج و نقوش اسلیمی استفاده شده و در محل اتصال لوله و گردن به بدنه، تزیینات فلزی وردیفی از فیروزه‌های کوچک دیده می‌شود که بخشی از آن‌ها از میان رفته است. سطح بدنه نیز با نقوشی شبیه فلس‌های درشت ماهی پوشیده شده است. روی یکی از بخش‌های قلمدانی شکل گردن عبارت «وقف کشیک‌خانه» و روی بخش دیگر ادامه آن، یعنی «خدام امام شد»، حک شده است. این کتیبه به روشنی محل استفاده از این گلابدان در حرم مطهر را نشان می‌دهد.

گلابدان مسی میناکاری اصفهان

پنجمین اثر، گلابدانی مسی با تزیینات میناکاری است که به آثار اصفهان در قرن دوازدهم هجری تعلق دارد. بدنه شلجمی (حجم بیضی شکل) و لوله بلند و عمودی آن با نقوش اسلیمی پوشیده شده است و دسته ظرف از میانه بدنه آغاز می‌شود و با انحنایی زیبا به لوله می‌رسد. گل محمدی، گل و برگ‌های اسلیمی، شاخه‌های مو و خوشه‌های انگور از جمله نقش‌هایی هستند که در بخش‌های مختلف ظرف دیده می‌شوند. در قسمت پایین بدنه نیز نقوش هندسی سبزرنگ قرار گرفته است. بخشی از میناکاری این گلابدان در گذر زمان از بین رفته و لوله آن نیز آسیب دیده است؛ نشانه‌هایی که در کنار زیبایی اثر، گذر زمان و سابقه استفاده از آن را نیز روایت می‌کنند.

نقره و گل‌های شاه‌عباسی

گلابدان نقره‌ای با دسته اسلیمی، نمونه‌ای متعلق به قرن سیزدهم هجری شمسی است. بدنه گلابی شکل ظرف به گردنی باریک و بلند می‌رسد و دهانه آن برای ریختن گلاب به سمت جلو کشیده شده است. ارتفاع این گلابدان نقره‌ای ۲۲ سانتی‌متر است و انتهای بدنه بر روی پایه‌ای مخروطی کوتاه ختم می‌شود. روی گردن، قاب‌های برگ‌مانندی با گل‌های شاه‌عباسی قلم‌زنی شده و چهار سرترنج روی بدنه نیز با نقوش اسلیمی تزیین شده‌اند. میان نیم‌ترنج‌ها، نقش گل و مرغ قرار گرفته که با تکنیک قلم‌زنی اجرا شده است.

چهارشنبه‌های مطلا



کاری مناسبتی و پراکنده نبوده، بلکه برای انجام آن نیروی مشخصی در خدمت آستان بوده است. اسناد دیگری نیز جزئیات بیشتری از این سنت به دست می‌دهند؛ بخشی از آن‌ها صورت هزینه‌هایی برای خرید مواد معطرند؛ از عود هندی و کندر گرفته تا صندل سفید، سعد کوفی و چوب ارسی. نمونه‌هایی از این اسناد در دوره قاجار، هزینه خرید مواد خوش‌بوکننده برای حرم را ثبت کرده‌اند. در کنار این مواد، وسایل مختلفی نیز برای نگهداری و استفاده از آن‌ها به کار می‌رفته است؛ عطردان و عطرپاش، گلابدان و گلاب‌پاش، بخوردان و بخورسوز، عنبردان و عنبرسوز و عوددان و عودسوز.

باگسترش رواق‌های سرپوشیده، استفاده از مواد

دودزا نیز با محدودیت روبه‌رو و عنبرسوزی در رواق‌ها ممنوع و به صحن‌ها محدود شد. گلاب

اما بدون ایجاد دود، همچنان می‌توانست در فضای حرم حضور داشته باشد. به همین دلیل،

گلابدان‌ها را باید بخشی از ابزار و فرهنگ خدمت

در حرم دانست؛ اشیایی که امروز نمونه‌هایی از آن‌ها در موزه آستان قدس رضوی، بخشی از این تاریخ را پیش چشم ما نگه داشته‌اند.

گلابدانی فولادی از عصر صفوی

گلابدان فولادی دیگری از این مجموعه به قرن دوازدهم هجری تعلق دارد؛ ظرفی شلجمی شکل (شکلی کروی که دو قطب آن اندک فروستگی دارد) که در سال ۱۱۲۷ قمری در اصفهان ساخته شده است. خطوط و گل‌وبرگ‌های برجسته، سراسر بدنه را پوشانده‌اند و در دایره‌های دو سوی ظرف، گل محمدی کنده‌کاری شده است.

روی لوله نیز نقشی شبیه فلس ماهی دیده می‌شود. اما شاید مهم‌ترین ویژگی این گلابدان، اطلاعاتی باشد که کتیبه‌های آن در اختیار ما می‌گذارند. نام «فیض‌الله شوشتری» به عنوان سازنده اثر با خط ثلث بر ترنج زیر لوله آمده و نام «اسماعیل جیادار» نیز با خط نستعلیق زیر دسته دیده می‌شود. در بخش‌های دیگری از ظرف، نام واقف، سلطان حسین و اطلاعات مربوط به محل و مورد استفاده گلابدان ثبت شده است.

گلابدان مفرغی با سرلوله ازدها

نمونه دیگری از ساخته‌های اصفهان، گلابدانی مفرغی و بدون دسته است. این ظرف شلجمی شکل، پایه‌ای کوتاه و مخروطی دارد و گردن بلند آن نقش دسته را ایفا می‌کند. سطح بدنه و گردن با ترنج، نیم‌ترنج و لیجک ترنج‌هایی پوشیده شده است که درون آن‌ها نقوش اسلیمی، بندها و گره‌ها قرار گرفته‌اند. بخش داخلی گردن نیز قلم‌زنی شده و با گل و برگ‌های ریز تزیین شده است. سرلوله این گلابدان به شکل دهان ازدها ساخته شده و نوارهای تزیینی روی لوله، ظاهر آن را کامل کرده‌اند. ارتفاع ۴۰ سانتی‌متری این اثر نیز آن را به یکی از نمونه‌های شاخص این مجموعه تبدیل کرده است.

گلاب‌پاش نقره‌ای از لندن

در میان این آثار قدیمی، نمونه‌ای معاصر نیز وجود دارد: دوگلاب‌پاش کروی شکل از نقره همراه با یک ظرف شیشه‌ای تراش‌دار. این مجموعه را شرکت «Asprey» در لندن ساخته و حمدبن خلیفه‌آل ثانی، امیر قطر، در سال ۱۳۸۷ خورشیدی به آستان قدس رضوی اهدا کرده است.

گلاب‌پاش‌ها گردنی باریک و کشیده دارند و در دهانه آن‌ها سوراخ‌های ریزی برای پاشیدن گلاب تعبیه شده است. بدنه کروی آن‌ها با نوار طلایی‌رنگ و تزیینات قالبی آراسته شده و ظرف شیشه‌ای همراه نیز با بدنه کروی و نقوش اسلیمی تراش‌خورده، مجموعه را کامل می‌کند.

گلاب‌پاش مسی با آبکاری نقره

آخرین اثر، گلاب‌پاش مسی با آبکاری نقره و ارتفاع ۵/۲۴ سانتی‌متر است. بدنه آن با نقوش گیاهی قلم‌زنی شده و در ظرف به صورت پیچی ساخته شده است. فرم کشیده و متناسب ظرف، در کنار سطح نقره‌اندود آن، جلوه‌ای متفاوت به این گلاب‌پاش بخشیده است. نقوش قلم‌زنی شده نیز از عناصر تزیینی اصلی اثر هستند و نشان می‌دهند که حتی ظرفی با کاربری روزمره، می‌توانسته با ظرافت و دقت هنری ساخته شود.

اخبار

قدیمی

وقتی نخستین بار اولین محموله لباس‌های دست دوم خارجی به مشهد رسید، خبرنگار روزنامه راستی نوشت:

تجارت بیماری با لباس تاناکورا



تصویر روزنامه راستی که خبر در آن درج شده است

بسطا می‌ا چند روز پیش به قصد خرید مانتو برای دخترم به خیابان راهنمایی مشهد رفتم و متوجه موضوع عجیبی شدم؛ بسیاری از فروشگاه‌های لباس به فروشگاه تاناکورا تبدیل شده بودند و ژاکت، بلوز، شلوارهایی با مدل‌های زننده و دیگر پوشاک دست‌دوم و نیم‌نما را با قیمتی بسیار ارزان عرضه می‌کردند. اینکه در وضعیت اسفناک اقتصادی امروز، مردم به پوشاک دست‌دوم خارجی رجوع کنند و قدرت خرید لباس نو پایین آمده باشد، چیز عجیبی نیست و قصد ما هم بررسی این موضوع و علت‌های آن نیست. اما

شاید برایتان جالب باشد بدانید نخستین باری که مردم مشهد با چنین پدیده‌ای

روبه‌رو شدند، در میانه جنگ جهانی دوم بود.

پاییز سال ۱۳۲۴ خورشیدی، برای نخستین بار، چند هزار کیلو لباس کهنه آمریکایی

که اصلا بعید نیست در آن دوران آلوده به انواع میکروب‌ها بوده باشند، از راه‌های

مختلف دریایی و خشکی وارد مشهد شده و با استقبال فراوان هم روبه‌رو می‌شود.

به هر حال از مردمی که دست‌کم چهار سال در میانه فقر، قحطی و شیوع انواع

بیماری‌ها، بدون داشتن کار مناسب، با فراز و نشیب زندگی دست‌وپنجه نرم می‌کردند

تا فقط زنده بمانند انتظاری نیست؛ با این همه، خبرنگار روزنامه راستی آن دوران

به این اتفاق واکنش نشان می‌دهد و این خبر را با موضع‌گیری شدید و انتقاد

فراوان چاپ و منتشر می‌کند؛ خبری که هیچ‌کدام از مسئولان مملکتی به آن و

تاله‌های نویسنده‌اش وقعی نمی‌نهند.

این موضوع یک بار دیگر هم تکرار می‌شود و این بار بهمن سال ۱۳۲۴ است.

خبرنگار تیتیر می‌زند که «کسی به فکر ما نیست» و این‌طور می‌نویسد: «از چندی

پیش، مقدار زیادی لباس کهنه آمریکایی وارد شده است. ما یک‌بار راجع به

زبان‌هایی که این عمل برای کشور ما دارد، چیزها نوشتیم ولی زبان از آن اندازه

زیادتر است که با یک بار نوشتن ما و توجه نکردن اولیاء امور قضیه تمام شود.

چرا که این موضوع بستگی به حیات و ممات عده زیادی از مردم ملت ما دارد و

از این گذشته از نظر سیاست خارجی مربوط به بنده شدن ملت ما و مستعمره

بودن کشور ما می‌شود.»

این خبرنگار در بند دوم خبرش موضوع مستمره شدن با لباس کهنه را توضیح

می‌دهد. البته که تنها دلیل مستعمره شدن، خرید پوشاک دست دوم نیست. اما

این نوشته نشان از درد او دارد؛ دردی که از علاقه به مردمش ریشه گرفته است؛

«مستعمره شدن شاخ و دم ندارد. مستعمره شدن از همین‌جا شروع می‌شود که

مثلا چندین میلیون دست لباس کهنه آمریکایی وارد کشور ما بشود و به قیمت

خیلی ارزان -ولی در هر صورت چندین برابر قیمت تمام شده- به فروش می‌رسد و

مردم لخت و فقیر هم می‌خرند. در نتیجه پس از یک سال اول کارخانه‌ها می‌خواید.

کارگران پارچه‌یاف، مکانیسین‌ها و مهندسین بیکار می‌شوند. در ادامه هم بلافاصله

خیاط‌ها و شاگردهایشان هم بیکار می‌شوند. بعد بیکاری و فقر سرتاسر کشور را

می‌گیرد. صنعت مملکت از بین می‌رود و پس از مدت کمی مملکت به صورت یک

کشور عقب‌مانده قابل استعمار در می‌آید. این است نتیجه خوش معاملگی ممالک

مستعمره طلب با کشورهای عقب‌مانده اما در ازای این خیانت بزرگ تنها چند

نفر تاجر، میلیونر و میلیاردر می‌شوند. چند نفر وکیل و وزیر به نوائی می‌رسند ولی

ملتی می‌میرد. ما می‌میریم تا چند نفری به کام خود برسند. اولیاء امور هم گویی

خواهند و معلوم نیست مثلا استانداری چرا برای نجات مشتی مردم زحمتکش و

برای حفظ حیثیت و آتیه کشور به فکر نیستند. آیا خود آن‌ها هم می‌خواهند در

این جرم شرکت کنند؟ مردم خراسان منتظرند تا اولیاء مسئول چه چاره‌ای کنند

ولی این هم گفتنی است که اگر آن‌ها چاره نکنند، ملت در انتظار چاره جویی آن‌ها

خود را بلاشرط تسلیم مرگ و نابودی نخواهد کرد.»

تاریخ

نگار

تنها گل فروشی مشهد و تشییع پیکر کلنل پسیان



اردلان ا نخستین گل فروشی تهران قدیم توسط شخصی ارمنی به نام ژرژیک در چهارراه کنت (تقاطع لاله‌زار و منوچهری) دایر شد که به آن جرجیکش می‌گفتند. گل هدیه دادن، گل گرفتن و گل فروشی در تهران قدیم، قصه و درازی ندارد، بلکه محدود می‌شود به صد سال گذشته. علت اینکه چرا گل در نزد تهرانیان محبوب نبوده را باید مربوط به فقر فرهنگی دانست و اینکه عامه به گل به دید یک ابزار لوکس غیرمصرفی نگاه می‌کردند. دکه یا مغازه‌ای هم برای خرید گل وجود نداشت و اگر هم می‌خواستند در مراسم‌های خاصی چون عیادت از بیمار، خواستگاری و... گلی ببرند، گلدان گل را ترجیح می‌دادند. در میان اقوام مختلفی که در تهران زندگی می‌کردند، ارمنه گل فروشی را در شهر باب کردند. عمده‌ترین مشتریان این دکه، اعضای غیر ایرانی سفارتخانه‌ها بودند. بعدها تهرانیان برای آنکه از قافله عقب نمانند دکه‌هایی را در اطراف منطقه شاه‌آباد حد فاصل مخبرالدوله، بهارستان و قوام‌السلطنه تأسیس کردند که اکثر مشتریانشان سران حکومتی و دربار بودند. سایر مردم به دلایلی چون فقر اقتصادی یا دلایل دیگر، روی خوش به گل فروشی‌ها نشان نمی‌دادند.

این ماجرا در مشهد هم همین‌گونه رقم خورده است. یعنی تنها گل فروشی شهر در دست یک ارمنی تبار بوده است. در واقع نخستین مرتبه‌ای که می‌شود نام یک گل فروش را دید، در ۱۹هـ‌مراه ۱۳۰۱ است. وقتی «آقاخان خوش‌کیش» برای حل جنازه کلنل پسیان عازم قوچان می‌شود، او با چنان سرعتی می‌رود و برمی‌گردد که باورکردنی نیست. آن روز، در خیابان ارگ محشری برپا بوده است. در شهر هر چه مدرسه و مغازه شماره کرده بودند، تعطیل می‌شود. از عامی تا تاجر و کسبه و ژاندارم همه برای تشییع پیکر می‌آیند و بعد از این است که مردم هرچه گل در مغازه «مسیو آرسن» ارمنی وجود داشت را می‌خرند و روی پیکر کلنل برپیر می‌کنند؛ پیکری که بی‌سر آمده بود و همان را در باغ نادری دفنش می‌کنند.